

فردریک چارلز کاپلستون

# تاریخ فلسفه

جلد دوم

فلسفه قرون وسطا

از آوگوستینوس تا اسکوتوس

مترجم

ابراهیم دادجو



۱۳۹۶

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار مترجم.....	نه
فصل یکم - مقدمه.....	۱
بخش یکم: تأثیرات ماقبل قرون وسطا.....	۱۵
فصل دوم - دوره آباي کليسا.....	۱۷
فصل سوم - قديس آوگوستينوس - ۱.....	۵۱
فصل چهارم - قديس آوگوستينوس - ۲: شناخت.....	۶۷
فصل پنجم - قديس آوگوستينوس - ۳: خدا.....	۸۷
فصل ششم - قديس آوگوستينوس - ۴: جهان.....	۹۵
فصل هفتم - قديس آوگوستينوس - ۵: نظرية اخلاق.....	۱۰۳
فصل هشتم - قديس آوگوستينوس - ۶: دولت.....	۱۱۱
فصل نهم - ديونوسيوس معمول.....	۱۱۵
فصل دهم - بوئتئوس، کاسيودوروس، ايسيدوروس.....	۱۲۷
بخش دوم: رنسانس کارولنژی.....	۱۳۵
فصل يازدهم - رنسانس کارولنژی.....	۱۳۷
فصل دوازدهم - يوهانس اسکوتوس اريوگنا - ۱.....	۱۴۵

فصل سیزدهم - یوهانس اسکوتوس اریوگنا - ۲	۱۵۱
بخش سوم: قرن دهم، یازدهم، و دوازدهم	۱۷۷
فصل چهاردهم - مسئله کلیات	۱۷۹
فصل پانزدهم - قدیس آنسلم کنتربری	۲۰۳
فصل شانزدهم - مدرسه شارتر	۲۱۵
فصل هفدهم - مدرسه سن ویکتور	۲۲۷
فصل هجدهم - ثنوی گرایان و وحدت وجودگرایان	۲۳۷
بخش چهارم: فلسفه اسلامی و یهودی: ترجمه‌ها	۲۴۱
فصل نوزدهم - فلسفه اسلامی	۲۴۳
فصل بیستم - فلسفه یهودی	۲۶۱
فصل بیست و یکم - ترجمه‌ها	۲۶۷
بخش پنجم: قرن سیزدهم	۲۷۷
فصل بیست و دوم - مقدمه	۲۷۹
فصل بیست و سوم - گیوم اوورنی	۲۸۷
فصل بیست و چهارم - رابرت گروس تست و الکساندر آو هیلز	۲۹۹
فصل بیست و پنجم - قدیس بوناونتورا - ۱	۳۱۵
فصل بیست و ششم - قدیس بوناونتورا - ۲: وجود خدا	۳۲۷
فصل بیست و هفتم - قدیس بوناونتورا - ۳: نسبت مخلوقات با خدا	۳۳۷
فصل بیست و هشتم - قدیس بوناونتورا - ۴: آفرینش مادی	۳۵۳
فصل بیست و نهم - قدیس بوناونتورا - ۵: نفس آدمی	۳۶۱
فصل سی‌ام: قدیس آلبرتوس کبیر	۳۷۹
فصل سی و یکم: قدیس توماس آکوئینی - ۱	۳۹۱
فصل سی و دوم: قدیس توماس آکوئینی - ۲: فلسفه و الهیات	۴۰۳
فصل سی و سوم: قدیس توماس آکوئینی - ۳: مبادی موجود مخلوق	

فصل سی و چهارم: قدیس توماس آکوئینی - ۴: برهان‌های مربوط	۴۳۱
به وجود خدا	۴۴۵
فصل سی و پنجم: قدیس توماس آکوئینی - ۵: ذات خدا	۴۶۵
فصل سی و ششم: قدیس توماس آکوئینی - ۶: آفرینش	۴۸۱
فصل سی و هفتم: قدیس توماس آکوئینی - ۷: معرفت‌النفس	۴۹۷
فصل سی و هشتم: قدیس توماس آکوئینی - ۸: شناخت	۵۰۹
فصل سی و نهم: قدیس توماس آکوئینی - ۹: نظریه اخلاق	۵۲۵
فصل چهلم: قدیس توماس آکوئینی - ۱۰: نظریه سیاست	۵۳۹
فصل چهل و یکم: توماس و ارسطو: مناقشات	۵۵۳
فصل چهل و دوم: ابن رشدگرایان لاتینی: سیژه برابانی	۵۶۳
فصل چهل و سوم: اندیشمندان فرانسیسی	۵۸۵
فصل چهل و چهارم: ژیل ژمی و هانری گنتی	۶۰۳
فصل چهل و پنجم: اسکوتوس - ۱	۶۱۵
فصل چهل و ششم: اسکوتوس - ۲: شناخت	۶۳۱
فصل چهل و هفتم: اسکوتوس - ۳: مابعدالطبیعه	۶۵۳
فصل چهل و هشتم: اسکوتوس - ۴: الهیات طبیعی	۶۷۳
فصل چهل و نهم: اسکوتوس - ۵: نفس	۶۸۵
فصل پنجاهم: اسکوتوس - ۶: اخلاق	۶۹۳
فصل پنجاه و یکم: جمع‌بندی نهایی	
عناوین فلاسفه قرون وسطا، مندرج در این مجلد	۷۱۱
واژه‌نامه فارسی - انگلیسی / لاتینی	۷۱۳
واژه‌نامه انگلیسی / لاتینی - فارسی	۷۳۱
فهرست اعلام	۷۴۹
کتاب‌شناسی کوتاه	۷۵۷

## فلسفه در قرون وسطا

### فصل یکم

#### مقدمه

۱. ابتدا امیدوار بودم در این جلد از تاریخ فلسفه بتوانم شرحی از سیر فلسفه در کل دوره قرون وسطا<sup>۱</sup> به دست دهم؛ آن دسته از اندیشه‌ها و نظام‌های فلسفی که بین رنسانس کارولنژی<sup>۲</sup>، در اواخر قرن هشتم میلادی<sup>۳</sup> و پایان قرن چهاردهم به ظهور رسیدند. پس از سبک و سنگین کردن متقاعد شدم که بجاست دو جلد را به فلسفه قرون وسطا اختصاص دهم. از آن جا که جلد اول<sup>۴</sup> با شرحی از فلسفه نوافلاطونی به پایان رسید و در آن به آرای فلسفی نخستین نویسندگان مسیحی اشاره نشده بود، سزاوار دیدم که درباره این آرا در این جلد صحبت کنم. درست است که افرادی مانند قدیس گرگوریوس نوسایی<sup>۵</sup> و قدیس آوگوستینوس هیپویی<sup>۶</sup> به دوره امپراتوری روم متعلق اند و گرایش‌های فلسفی آنان

1. Middle Ages

2. Carolingian renaissance

۳. یوهانس اسکوتوس اریوگنا (John Scotus Eriugena) نخستین فیلسوف مشهور قرون وسطا، حدود ۸۱۰ م

۴. تاریخ فلسفه، جلد اول، «یونان و روم».

5. St. Gregory of Nyssa

6. St. Augustine of Hippo

به مکتب افلاطون به وسیع‌ترین معنای آن بود و نمی‌توان آنان را قرون وسطایی نامید، اما این هم واقعیت است که آنان متفکرانی مسیحی بودند و بر قرون وسطا تأثیر زیادی گذاشته‌اند. به‌طور مثال، بدون شناخت قدیس آوگوستینوس، به‌سختی می‌توان قدیس آنسلم<sup>۱</sup> و قدیس بوناونتورا<sup>۲</sup> را شناخت. همین‌طور بدون آشنایی مختصر با اندیشه قدیس گرگوریوس نوسایی و دیونوسیوس مجعول<sup>۳</sup> نمی‌توان به اندیشه‌های یوهانس اسکوتوس اریوگنا پی برد. از این رو، تا آن‌جا که به بحث تاریخی مربوط می‌شود، نیازی به عذرخواهی نیست که چرا تاریخ فلسفه قرون وسطا را با بررسی متفکران دوره امپراتوری روم آغاز می‌کنیم.

بنابراین، جلد حاضر با دوره آغازین مسیحیت شروع می‌شود و تاریخ فلسفه قرون وسطا تا پایان قرن سیزدهم، که شامل دانز اسکوتوس<sup>۴</sup> (حدود ۱۲۶۵-۱۳۰۸) می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جلد سوم سعی بر آن است که فلسفه قرن چهاردهم با تأکیدی خاص بر مشرب اوکامی<sup>۵</sup> بررسی شود. همچنین فلسفه‌های رنسانس در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم، و فلسفه «عصر سیمین»<sup>۶</sup> تفکر مدرسی<sup>۷</sup> را، با آن‌که فرانسیس سوئارس<sup>۸</sup> در ۱۶۱۷ م، یعنی بیست‌ویک سال بعد از تولد دکارت<sup>۹</sup> درگذشت، در آن جلد بررسی خواهم کرد. شاید این ترتیبی من‌درآوردی به نظر آید - تا حدودی نیز این‌گونه است - اما تعیین حد فاصل دقیق و صریحی بین فلسفه قرون وسطا و فلسفه جدید - اگر اساساً ممکن باشد - فوق‌العاده محل تردید است، و حتی می‌شود، برخلاف سنت رایج، دکارت را در زمره فیلسوفان متأخر مدرسی قرار داد. البته قصد من این نیست که چنین رویه‌ای در پیش گیرم، و اگر بحث از برخی فیلسوفان را که به نظر می‌رسد کاملاً به «دوره جدید»<sup>۱۰</sup> تعلق دارند در جلد سوم خواهم آورد، عمدتاً برای سهولت و تمهید مقدمات است تا بتوانم در جلد چهارم به شرح و بسط نظام‌مند ارتباط متقابل میان نظام‌های فلسفی مهمی بپردازم که از فرانسیس بیکن<sup>۱۱</sup> در انگلستان، و دکارت در فرانسه تا کانت<sup>۱۲</sup> را شامل می‌شود. با این همه، هر شیوه‌ای برای تقسیم‌بندی اتخاذ کنیم باید به

پاد داشته باشیم که تقسیم تاریخ تفکر فلسفی به مقطع‌های جداگانه، تقسیمی قطعی و بی‌چون‌وچرا نیست. انتقال از یک دوره به دوره دیگر، تدریجی است نه ناگهانی، همپوشانی و تأثیر متقابلی نیز در کار است، و نظام‌هایی که به دنبال یکدیگر می‌آیند کاملاً از یکدیگر جدا نیستند.

۲. زمانی بود که فلسفه قرون وسطا را سزاوار مطالعه جدی نمی‌دانستند، زیرا مسلم می‌گرفتند که فلسفه قرون وسطا چنان تابع الهیات است که عملاً از آن غیرقابل تمییز است و آن‌جا که قابل تمییز باشد چیزی بیش از منطق‌بافی عقیم و لفاظی نیست. به عبارت دیگر، تصور بر این بود که فلسفه اروپایی از دو دوره اصلی تشکیل می‌شود: یکی دوره باستان که عملاً مقصود از آن، فلسفه‌های افلاطون و ارسطو بود، و دیگری دوره جدید که عقل‌نظری<sup>۱</sup> پس از شب تاریک قرون وسطا بار دیگر از آزادی برخوردار شد، یعنی پس از قرونی که مرجعیت کلیسا فائق بود و عقل بشری با غل‌وزنجیر به بند کشیده شده، مجبور بود که خود را به مطالعه بیهوده و تفننی الهیات محدود سازد، تا آن‌که سرانجام متفکری مانند دکارت زنجیرها را گسست و عقل را آزادی بخشید. از نظر آنان فلسفه عصر باستان و دوره جدید را می‌توان همچون انسانی آزاده دانست؛ حال آن‌که فلسفه قرون وسطا به بردگان می‌ماند.

قطع نظر از این واقعیت که فلسفه قرون وسطا طبعاً از بی‌احترامی‌ای که به طور کلی به دوره قرون وسطا می‌شد بی‌نصیب نبود، بی‌تردید عامل دیگری که تا اندازه‌ای باعث چنین نگرشی به متفکران قرون وسطا شد آن نوع زبان و بیانی بود که کسانی مانند فرانسیس بیکن و دکارت درباره فلسفه مدرسی<sup>۲</sup> به کار بردند. درست همان‌طور که ارسطویان عادت داشتند افلاطون‌گرایی را با توجه به نقدهای ارسطو ارزیابی کنند، پیروان نهضتی که ظاهراً با فرانسیس بیکن و دکارت شروع شده بود فلسفه قرون وسطا را از نگاه این دو فیلسوف ارزیابی کردند، بدون توجه به این واقعیت که بیشتر مطالبی را که، برای مثال، افرادی مانند فرانسیس بیکن علیه مدرسی‌ها مطرح کردند نمی‌توان به طور موجه در مورد چهره‌های بزرگ قرون وسطا به کار برد؛ هرچند شاید درباره مدرسی‌های بعدی و «منحط»<sup>۳</sup> که معنی را فدای لفظ می‌کردند صادق باشد. مورخانی که از همان

1. speculative reason

2. scholasticism

3. decadent

1. St. Anselm  
4. Duns Scotus  
7. Scholastic Thought  
10. modern period2. St. Bonaventure  
5. Ockhamism  
8. Francis Suarez  
11. Francis Bacon3. Pseudo-Dionysius  
6. Silver Age  
9. Descartes  
12. Kant